**انترناسیونال 632**

**ناسیونالیستها و قوم پرستان را باید افشا کرد**

**کاظم نیکخواه**

اخیرا تحرکات عده ای ناسیونالیست ترک را در ارومیه علیه مردم منتسب به کرد و فارس شاهد بودیم که بسیار زشت و شنیع در بازی والیبال روز ٢٩ مهر خودرا نشان داد. به خانواده یکی از بازیکنان کرد زبان توهین کردند، شعار مرگ بر فارس سردادند و کینه و نفرت عمیق خودرا نسبت به مردم کردستان و ایران ابراز کردند. نکته جالب این بود که بنا به گزارشهایی بازیکنان ترک زبان برای اعلام انزجار از این حرکت ناسیونالیستها و راسیستهای ترک اعلام کردند که هفته بعد با لباس نوع کردی به زمین بازی می آیند. بعلاوه حرکت و کمپینی در میان جوانان پیشرو علیه نژادپرستان به جریان افتاده است که بسیار جالب و هوشیارانه است و باید مورد حمایت قرار گیرد. اما در این میان برخی محافل ناسیونالیست کرد همین حرکتها را به محملی برای گرم کردن تنور تعصبات ناسیونالیستی خودشان تبدیل کرده و اعلام کردند که با شعار "لباس من هویت من است" به زمین بروید. و برخی جریانات سلطنت طلب و ناسیونالیستهای فارس نیز در سایتهای اینترنتی شروع به فحاشی و توهینهای رکیک به مردم آذری و ترک زبان کردند. .

معمولا کینه بسادگی کینه میزاید. تعصب به تعصب دامن میزند. ناسیونالیسم به ناسیونالیسم متقابل نیرو میدهد. کینه نژادی و قومی و مذهبی به کینه نژادی وقومی و مذهبی متقابل می انجامد. اساسا ناسیونالیسم و قومگرایی گرایشاتی مبتنی بر مجازات جمعی و تحقیر و نفرت و پیشداوری علیه کل مردمی منتسب به قوم و ملت دیگر است. تعصب قومی و نژادی و ملی باعث میشود که کسانی سفیهانه باور کنند که گویا بخشی از مردم به دلیل تعلق به فلان خاک و فرهنگ و زبان، مادرزاد نابغه و هنرمند و منزه و پاکند و عده ای دیگر مادرزاد ناجور و بد جنس و نادان. روشن است که عده ای با این تفرقه افکنی ها نان میخورند و عده ای هم از روی تعصب و جهل به دام این نوع گرایشات می افتند و خام اندیشانه فکر میکنند با کینه ورزی به مردمی منتسب به ملتها و زبانهای دیگر دارند به نیاکان و خاک و مردم "خودی" خدمت میکنند. و اگر مردم هوشیار نباشند و به موقع عکس العمل درست انجام ندهند چشم باز میکنی و می بینی که مرتجعین متعصب برای جنایتکاری ها و لشکرکشی های فردایشان از جوانان ناآگاه سربازگیری کرده اند. تاریخ و حتی همین دوره معاصر از این نمونه ها پر است. و یک کار ما باید این باشد که این نمونه های تاریخی را جلوی چشم مردم بگذاریم و ناسیونالیستها و قوم پرستان و متعصبین ترک و کرد و فارس و امثال آنها را افشا کنیم.

دامن زدن به تفرقه قومی و ملی در میان مردم ریشه ای تاریخی دارد. اما بطور مشخص در آذربایجان و کردستان ما شاهد تلاشهای جمهوری اسلامی از همان روزهای اول روی کار آمدنش برای ایجاد جنگ کرد و ترک بودیم و متاسفانه در مقاطعی حکومت به کمک فاشیستهای ترک موفق شد این کشاکش را به جنگی خونین تبدیل کند و شمار زیادی از مردم را قربانی کرد. آخوند فاشیست و کله پوک مشهور ملاحسنی و شمشیر چرخانی هایش علیه مردم کردستان را همه بیاد دارند. باید در برابر این تلاشها هوشیار بود و مطمئن بود که دشمنان مردم و جمهوری اسلامی از تفرقه میان مردم تحت عنوان کرد و ترک و فارس و عرب سود میبرند و یک پای این حرکتهای نژادی و قومی کنونی نیز خود جمهوری اسلامی و وابستگانش هستند.

یک نکته هم که باید کاملا دقت کرد اینست که نژاد پرستی و قوم پرستی با ناسیونالیسم فاصله چندانی ندارد. کسانی که مدام از ایران و ایرانی گری و فرهنگ ایرانی دم میزنند و به عرب ها و افغانها توهین میکنند یا مردم کشورهای دیگر و منتسب به ملیتهای دیگر را تحقیر میکنند دقیقا کارشان از همان جنس زشتی است که نژاد پرستان انجام میدهند. بعضی هم نژادپرست شرمگین هستند. اگر کسی را تعصب کور نکرده باشد به سادگی میفهمد که همه انسانها از نظر ارزشهای انسانی برابرند و مطلقا هیچ دلیلی ندارد که بخشی به دلیل زبان و یا لباس و رنگ و جنس مورد تبعیض و توهین و تحقیر قرار گیرند و بخشی دیگر بطور یکجانبه و مبالغه آمیز ستایش و بزرگ داشته شوند. ما زمانی میتوانیم آزاد زندگی کنیم که همین نکته ساده را که حتی برای یک کودک قابل فهم است بتوانیم در مناسباتمان در جامعه عملی کنیم. در جامعه عده ای سرمایه دار و بالادست و مفتخورند و اکثریت مردم بی اختیار و فقیر و تحت استثمار. جنس و رنگ و نژاد و محل تولد بالایی ها نباید باعث شود که مفتخوری و جنایات آنها را نبینیم و کسانی مثل خودمان را با تعصب ملی و نژادی محکوم و قربانی کنیم.

خوشبختانه علیرغم تلاشهای محافل مرتجع و متعصب ناسیونالیست و قوم گرا، در ایران کینه ملی و قومی و نژادی تاکنون نتوانسته است در جایی دست بالا پیدا کند و رویدادهای اجتماعی را تحت الشعاع خود قرار دهد. بخش اعظم مردم در آذربایجان و کردستان و خوزستان و تهران و سایر بخشهای جامعه نسبت به یکدیگر احساس همبستگی متقابل دارند و پیوندهای طبقاتی و وجود و نفوذ نیروهای چپ وپیشرو و برابری طلب باعث شده است که سموم ناسیونالیستی و کینه ورزی قومی و نژادی نتواند تاثیرات اساسی داشته باشد. جریانات ناسیونالیست و قوم گرا علیرغم هوچی گری و سروصدای خود نشان داده اند که اقلیتی بییشتر نیستند و میتوان با کار آگاهگرانه آنها را منزوی نمود. اما نباید خطر آنها را دست کم گرفت. همین نمونه ارومیه و نمونه های مشابه نشان میدهد که یک گروه کوچک متعصب میتواند فضا را بشدت مسموم نماید و بسرعت به کینه و نفرت متقابل دامن بزند. به همین دلیل باید مردم نسبت به نحوه کارکرد و تبلیغات و تحریکات جریانات قومی و ناسیونالیست و نژاد پرست کاملا آگاه باشند و آمادگی عکس العمل درست را داشته باشند.

حقیقت اینست که در جامعه تبعیض و تحقیر ملی و قومی و نژادی توسط حاکمان علیه مردم منتسب به ملیتها و اقوام مختلف اعمال میشود و سالها و قرنها این تبعیضات علیه بخشهای مختلف مردم عمل کرده است. اساسی ترین و موثرترین راه مقابله با جریانات ناسیونالیست و قوم گرا مقابله با تبعیضات و ستمگری ملی و نژادی و مذهبی و قومی است. باید قاطعانه و همه جانبه از برابری همه مردم مستقل از ملیت و نژاد و جنس و باورهایشان دفاع کرد. همه مردم باید بطور برابر از همه حقوق و امکانات اجتماعی برخوردار شوند، به هر زبانی که میخواهند تکلم کنند و نحوه زندگی خودرا آزادانه انتخاب کنند. ناسیونالیستها و قومگرایان بهیچ وجه علیه تبعیضات قومی و ملی و نژادی نیستند بلکه از این تبعیضات تغذیه میکنند و از آن برای دامن زدن به تعصبات و کینه ورزی ها استفاده میکنند. ما باید همین را به همه مردم نشان دهیم. تجربه کردستان عراق که سالهاست تحت حاکمیت جریانات ناسیونالیست کرد است و همین ناسیونالیستهای کرد بارها و بارها بروی مردم کرد زبان آتش گشوده اند و ظلمها و ستمهای بسیار به آنها روا داشته اند یک تجربه آموزنده است که نشان میدهد ناسیونالیستها یک ذره در پی احقاق حقوق مردم منتسب به "ملت خود" نیستند، بلکه تعصبات ملی ابزاری است برای اینکه عده ای به قدرت و ثروت برسند. هم اکنون شاهد تظاهراتهای روزمره و دهها هزار نفره مردم در شهرهای مختلف کردستان عراق علیه ناسیونالیستهای کرد حاکم و شریک در قدرت هستیم که پایه ای ترین حقوق مردم را پایمال کرده اند و همین چند هفته پیش مردم را در منطقه قلادزه به گلوله بستند. کارگران و مردم برای خلاص شدن از شر جمهوری اسلامی و دزدان حاکم شدیدا به اتحاد و همبستگی سراسری نیاز حیاتی دارند و هرگونه کینه پراکنی و تفرقه افکنی به این امر لطمه وارد میکند. اما حتی اگر بفرض چنین نیاز سیاسی و مبرمی هم وجود نداشت عقل و خرد انسانی میگوید مردم به اتحاد و همبستگی و برابری نیاز حیاتی دارند و هیچ چیز جز عقب ماندگی و منافع حقیر و کثیف طبقاتی دامن زدن به کینه و نفرت علیه بخشی از مردم جامعه را توضیح نمیدهد.\*